

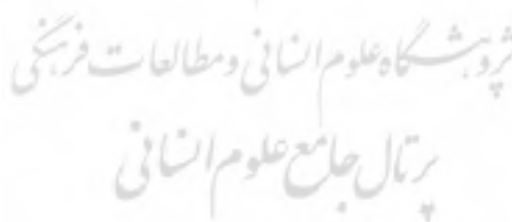
Manifestation of martyrdom component in three works of fiction by Razieh Tojjar ("My star", "Don't think that the flame will die", "Morning favorite")

Shahla Kalbali¹, Ahmad Sanchooli², Mohammad Majori³

Abstract

Razieh Tojjar is one of the active writers in the field of sacred defense, who has written many literary works about the imposed war and warriors. Among the contemporary writers, by writing numerous books in the field of sustainable literature, Tojjar has shown her commitment to values and ideals and has depicted the enthusiasm and sacrifice of warriors in a worthy and proper way. Her efforts and responsibility in the field of sacred defense stories are remarkable. This article by examining the manifestations of martyrdom in each book from her selected works, tries to answer the question of how and by which qualities the culture of martyrdom manifests itself. This research has been carried out in a descriptive and analytical way, and the results show the deep belief of this lady author in the category of martyrdom culture and spreading it, which is one of the cultural necessities of today's society in contrast with foreign cultures. Various manifestations of the use of martyrdom, according to the cultural and social conditions of the country, are shown in the book "Do not think that the flame will die" produced in the 1980s, more than the other two works

Keywords: *Martyrdom, Razieh Tojjar, My star, Don't think that the flame will die, "Morning favorite"*



1 - M.A in Persian Language and Literature, Zaabol Literature Faculty, Iran

2 - Associate Professor in Persian Language and Literature, Zaabol Literature Faculty, Iran

3 - Assistant Professor in Persian Language and Literature, Zaabol Literature Faculty, Iran

تجلی مؤلفه شهادت در سه اثر داستانی از راضیه تجار («ستاره من»، «گمان مبر که شعله بمیرد»، «محبوبه صبح»)*

شهلا کلبعلی^۱، احمد سنجولی^۲، محمد مجوزی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

چکیده

راضیه تجار یکی از نویسندگان فعال در حوزه دفاع مقدس است که آثار زیادی در مورد جنگ تحمیلی و رزمندگان به رشته تحریر درآورده است. تجار در بین نویسندگان معاصر با نوشتن کتاب‌های متعدد در عرصه ادبیات پایداری، تعهد خود را نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌ها نشان داده و شورآفرینی و جان‌فشانی رزمندگان را به نحو شایسته و بایسته ترسیم کرده است. کوشش‌ها و مسئولیت‌پذیری او در عرصه داستان‌های دفاع مقدس قابل توجه است. این مقاله تلاش دارد با بررسی آثار منتخب از دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود وی، جلوه‌های شهادت را در هر کتاب، بررسی نموده و به این سؤال که فرهنگ شهادت در هر کتاب چگونه با چه ویژگی‌هایی جلوه‌گری می‌کند، پاسخ دهد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است و نتایج حاصل، اعتقاد عمیق این بانوی نویسنده به مقوله و اشاعه فرهنگ شهادت‌طلبی - که از ضرورت‌های فرهنگی جامعه امروز در تقابل با فرهنگ‌های بیگانه می‌باشد - را نشان می‌دهد. جلوه‌های گوناگون کاربرد مؤلفه شهادت، با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور، در کتاب «گمان مبر که شعله بمیرد» محصول دهه هشتاد، بیشتر از دو اثر دیگر، نشان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: شهادت، راضیه تجار، ستاره من، گمان مبر که شعله بمیرد، محبوبه صبح.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات دانشگاه زابل، ایران.

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات دانشگاه زابل، ایران.

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات دانشگاه زابل، ایران.

۱- مقدمه

شهادت، زیباترین و معنوی‌ترین کلمه در فرهنگ مقاومت و مبارزه است که می‌تواند انسان‌های آزاده و مجاهدان راه حق را به پاداشی ابدی و در خور نائل گرداند. آیات قرآن مبین بزرگی مقام شهید در نزد پروردگار است: «و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً بل احياء عند ربهم يُرزقون» (آل عمران: ۱۶۹). شهادت انتخابی آگاهانه است که مجاهد با همه آگاهی و منطق و شعور خود برمی‌گزیند. (شریعتی، ۱۳۶۰: ۱۹۲)

شهید، در واقع «ناموس اکبر الهی است؛ یعنی شهادتی که دین الهی را آگاهانه شناخته و عارفانه در حیات، باجان و در ممات با شهادت و خون پاسداری می‌کند.» (محمودی، ۱۳۷۷: ۱۶) اوست که انسان‌ساز و تاریخ‌ساز است.

راضیه تجّار، متولد ۵ آذر (۱۳۲۶) در تهران است. او در رشته کارشناسی روانشناسی فارغ‌التحصیل شده و هم‌اینک از معلمان بازنشسته آموزش و پرورش می‌باشد. تجّار همانند سایر نویسندگان بعد از انقلاب، از تحولات جامعه به دور نبوده و آثاری متفاوت از قبل خلق کرده است. آثاری که از جنبه‌های جسمانی و مادی فراتر رفته و به نیاز مخاطب والا گرا، پاسخ داده است. این نویسنده متعهد از شهدای قبل و بعد از انقلاب، مخصوصاً شهدای جنگ تحمیلی می‌نویسد. در کتاب‌های داستانی راضیه تجّار، آرمان‌گرایی و معنویت رزمندگان به وفور دیده می‌شود. می‌توان ویژگی‌های ادبیات انقلاب را در آثار او دید؛ مانند آرمان‌گرایی - مردمی بودن - تمثیلی بودن - دارا بودن محتوای دینی و مذهبی و پایبند نبودن به قالبی خاص. (ن.ک. امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۹۵)

او از شهادت و زندگی رزمندگان و ایثارگرانی سخن می‌گوید که در راه عشق، برای اعتلای وطن و پاسداشت دین و سیره پیامبر (ع) و امام حسین (ع) سخت‌ترین شداید را متحمل گشته‌اند. راضیه تجّار با علاقه و باورمندی عمیق و خالصانه، نوشتن از شهدا را دوست دارد و حتی در سال‌های اخیر نیز شوق و اشتیاق خود را در نوشتن از شهدا و مدافعین حرم همچنان حفظ کرده و با آنان در مسیر مبارزه همراه شده است. او ادبیاتی هدفمند و متعالی را برگزیده است؛ ادبیاتی که «در ذات آن، حقیقت‌خواهی و امید به آینده همواره فرا روی خالق اثر - و بطن متن ادبی - وجود داشته» (رحماندوست، ۱۳۷۹: ۴۶۶) و همواره جلوه‌گاه بصیرت و اندیشه‌ورزی است و افق‌های روشن امید

به آینده را در نسلی پویا و مبارز می‌پروراند؛ نسلی که «متضمن رهایی و رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند» (سنگری، ۱۳۸۶: ۷).

شهید، این واژه مقدس و سرخ‌گون، در آثار داستانی راضیه تجار جایگاه والایی دارد. او با جمع‌آوری خاطرات رزمندگان و شهدا به بازنویسی واقعیت‌های جنگ دست زده و ذکر نام شهدا و بیان فضایل اخلاقی شهدا و نحوه شهادت آنان را بر مبنای واقعیت؛ اما با قلمی هنرمندانه به تصویر کشیده است.

تجار، به خوبی می‌داند که «هدف ادبیات مقاومت، جلوگیری از انحراف در ادبیات و شکوفایی تدریجی آن است.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶) و نوشتن از شهید و جانفشانی‌های شهید، بستری برای تحرک و پویایی جامعه است و تغافل از ذکر یاد و نام شهدا و آشنا نشدن نسل جوان با رشادت‌های آنان، تبعات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت.

فضای معنوی حاکم بر سه کتاب «ستاره من»، «گمان مبر که شعله بمیرد» و «محبوبه صبح» ایشان و قرار داشتن در حوزه ادبیات پایداری و معیارهای داستانی مشترک و تعلق داشتن آن‌ها به سه دهه مختلف، در مقایسه با یکدیگر و سبک و قلم زنانه و لطیف و نثر شاعرانه تجار در به نمایش گذاشتن ادبیاتی ظاهراً مردانه و اینکه تاکنون تحقیقی در مورد این موضوع در آثار ایشان دیده نشده است، ما را بر آن داشت که در این آثار به مطالعه و پژوهش بپردازیم.

اغلب پژوهش‌هایی که در مورد آثار داستانی راضیه تجار صورت گرفته، معمولاً به جنبه‌های ساختاری، بررسی عناصر داستانی و تصویر زن و امثال آن اختصاص دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: قانع عزآبادی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش به «تصویر زن سنتی و مدرن در رمان‌های زویا پیرزاد و راضیه تجار» پرداخته و معتقد است زنان در داستان‌های پیرزاد در کشمکش دائم با خود در پی کشف هویت هستند؛ اما در داستان‌های تجار در برابر تقدیر و سرنوشت، موضعی منفعل دارند. کلبعلی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «بررسی مؤلفه‌های پایداری در آثار داستانی راضیه تجار» در دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ شمسی پرداخته و معتقد است که سیر تحول مؤلفه‌های ادبیات پایداری در آثار تجار با توجه به شرایط خاص هر دهه متفاوت بوده و در کل روند افزایشی دارد. مرادی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد فمینیستی آثار داستانی راضیه تجار و گلی ترقی» به این نتیجه رسیده است که هر دو نویسنده توجه آگاهانه

به زنان داشته‌اند؛ اما توجه گلی ترقی، به فمینیسم و اصول آن بیشتر بوده است. عرب یوسف آبادی و کلبعلی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک زنانه در رمان کوچه افاقیا» ضمن بررسی مؤلفه‌های سبک زنانه در کتاب «کوچه افاقیا» به این نتیجه رسیده‌اند که این اثر مؤلفه‌های سبک زنانه را از کاربرد کلمات، رنگ‌ها و به تعریض سخن گفتن و ... داراست؛ ولی فضای اجتماعی و فرهنگی و وجود مردسالاری در دهه‌های پیش از انقلاب بر سرنوشت زنان سایه گسترده است. زارع پستکی زاد و جابری نسب (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به نام «سیمای زن در مجموعه داستان‌های کوتاه راضیه تجار» به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در سیطره نظام مردسالاری قرار گرفته و به هیچ کس اعتماد ندارند. هیچ گونه استقلال شخصیتی نداشته و همواره مورد تهدید قرار می‌گرفتند. علیزاده خیاط و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مشکلات عاطفی و اجتماعی زنان در آثار داستانی راضیه تجار» معتقدند که زنان در داستان‌های تجار، در بند و تسلیم و محصور به خانه، ناامید، تنها و پراضطراب هستند.

چنانچه ملاحظه می‌شود اغلب پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی جنبه‌های زنانه و یا بررسی عناصر داستان و امثال آن، اختصاص یافته و پژوهشی که به بررسی مسئله شهادت در آثار داستانی راضیه تجار پرداخته باشد، مشاهده نمی‌شود. از این رو در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، سه اثر داستانی ایشان از سه دهه (۷۰-۸۰، ۹۰) انتخاب گردیده و از حیث کاربرد مؤلفه شهادت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۱- روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بر روی سه کتاب از دهه‌های مختلف راضیه تجار «ستاره‌من»، «گمان مبر که شعله بمیرد» و «محبوبه صبح» انجام گرفته است. در ابتدا آنچه مربوط به واحد معنا بود، مشخص و فیش برداری و تقسیم‌بندی شد و سپس با روش تحلیل محتوا از جنبه کیفی و کمی و آماری، تجزیه و تحلیل و جداول و نمودارهای کیفی و آماری آن آماده گردید.

۲- بحث

۲-۱- معرفی آثار منتخب

۲-۱-۱- «ستاره من»

این کتاب در سال ۱۳۷۶ ه.ش برای اولین بار به چاپ رسید. ماجرای این کتاب بلند و رمان گونه به زندگی و نحوه شهادت سردار شهید حمید عرب نژاد، از سرداران شهید استان کرمان می پردازد. زادگاه این شهید «خانوک» نام دارد. این اثر فعالیت ها و مبارزات این شهید را قبل و بعد از انقلاب نشان می دهد.

۲-۱-۲- «گمان مبر که شعله بمیرد»

این کتاب از کتاب هایی است که نویسنده آن را در سال ۱۳۸۱ ه.ش بر اساس زندگی سردار شهید محمد سلیمانی اهل «درچه» اصفهان نوشته است. این کتاب شامل هشت داستان به ترتیب زیر است: ۱- بنویس کاتب ۲- درخت گیسو پریشان ۳- قایبی برای همیشه ۴- جایی دور همین نزدیکی ها ۵- مقتل ۶- هدیه شب تولد ۷- ستاره و سیم خاردار ۸- آینه و انار. نویسنده به شرح اخلاقیات و رشادت های و خاطرات شهید تا زمان شهادت ایشان پرداخته است.

۲-۱-۳- «محبوبه صبح»

این کتاب در ساله ۱۳۹۱ ه.ش به چاپ رسید؛ اما داستان آن درباره واقع سیاسی قبل از انقلاب است و در آن زندگی و نحوه شهادت محبوبه دانش آشتیانی، دختر هفده ساله انقلابی از تهران را به تصویر کشیده است. این شهیده در واقعه هفده شهریور سال ۱۳۵۷ ه.ش به فیض شهادت رسیده است.

۲-۲- تجلی شهادت در آثار منتخب راضیه تجار

۲-۲-۱- کاربرد نمادین واژه شهید

کاربرد رمز و نماد، از مواردی است که در آثار راضیه تجار دیده می شود و خواننده باید در رابطه این کاربرد رمزگونه تأمل کند؛ زیرا «نماد در معنای اولیه خود همان نیمه پنهان چیزی است؛ نیمه ای که خواننده همواره در پی کشف آن است.» (Chevalier, 1969:452)

۲-۲-۱-۱- خورشید

خورشید، نمادی از سرچشمه حیات و کمال نهایی انسان است. (ن. ک: سرلو، ۱۳۸۹: ذیل خورشید) راضیه تجار نیز آن را در همین معانی به کار برده و بیانگر این نکته است که شهدا با پیوستن به نور به کمال نهایی خود می‌رسند. در کتاب «ستاره من» همسر حمید، آسمان خانوک را در روز تشییع جنازه حمید چنین توصیف می‌کند: «جمعیت که با من هم صدا شد، به آسمان نگاه کردم. ستاره‌ای نبود؛ اما خورشیدی در آسمان خانوک می‌درخشید.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

۲-۲-۱-۲- ستاره

راضیه تجار، شهید را ستاره می‌خواند از آن جهت که شهید هدایتگر اجتماع است. در کتاب «ستاره من» وقتی پیکر هفتاد شهید را آوردند، همسر عرب نژاد با خود می‌گفت: «ستاره من در کدام تابوت خفته؟!» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۱) در کتاب «گمان میر که شعله بمیرد» نیز تجار، شهدا را ستارگان می‌داند که در دشت‌های خونین مبارزه پراکنده‌اند و با چهره‌ای سرخ و تنی پاره‌پاره به هدایت ما مشغول‌اند: «توجه توجه؛ به تمام پرسنل نیروی زمینی سپاه؛ ستاره‌ها را از روی سیم‌خاردارها جمع کنید.» (تجار، ۱۳۸۱: ۹۹)

۲-۲-۱-۳- پرنده

تجار، روح شهید را پرنده‌ای می‌داند که تمامی تعلقات مادی را رها کرده و در پرواز الهی الله است. «به باور صاحب فرهنگ نمادها، ارواح شهدا به شکل پرنده‌ای سبزرنگ به بهشت پرواز می‌کند.» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۲۰۰)

در کتاب «ستاره من» نیز همسر حمید عرب‌نژاد راجع به شهادت حمید می‌گوید: «او مثل پرنده‌ای بود که اگر نمی‌پرید، زنده نبود.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

تجار، شهدا را سبک بالانی می‌داند که به سوی موطن اصلی خود مهاجرت کرده و از تنگنای عالم مادی رها شده‌اند و مردم را محتاج به دعای آنان می‌داند: «التماس دعا پرنده مهاجر.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

۲-۲-۱-۴- کبوتر

در عرفان اسلامی نیز «یکی از مهم‌ترین معانی پرنده، روح یا جان انسان است؛ بدین معنا که

روح به صورت ذات بالداری تصور شده که به سوی عالم افلاک که موطن اصلی اوست، پرواز می‌کند. (صرفی، ۱۳۸۶: ۵۶) تجار، نیز ارواح شهدا را کبوتر می‌خواند. آنجا که پسر بیچه‌ای به دنبال کبوتران می‌دود «پی هزاران کبوتری که بر فراز تابوت‌ها می‌چرخند.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۳)

تجار، از پر کشیدن پرندۀ ای می‌گوید که سزاوار قفس جسم و گنبد شیشه‌ای دنیا نیست و تعلق به روضه رضوان دارد. او روح شهید را همچون کبوتری می‌داند که در تقلائی رهایی و پرواز است. کبوتر اگر با نشانه‌های معناشناسی مناسب خود مانند: «قفس، پرواز، کوچ، رهایی، اوج و آشیان» همراه شود، بافتی می‌سازد که می‌توان تأویل‌های گوناگونی از آن کرد؛ از جمله نماد انسان‌های آزاده و رها از تعلقات، روشنفکران و انقلابیونی که همواره به فکر رهایی از اوضاع نامساعد و خفقان حاکم بر جامعه هستند. (پورنامداریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱) «محبوبه خواب دید. خواب کبوتری که در زیر نورگیر گنبد شیشه‌ای گیر افتاده بود و هر چه سر به شیشه می‌کوبید، راه خروج نمی‌یافت. تا اینکه دستی دریچه کوچکی را باز کرد و کبوتر پر کشید.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

۲-۲-۱-۵-آب

تجار شهدا را در پاکی همچون آب می‌داند؛ زیرا چون آب رونده و سیال و پویا هستند: «مثل آبی بود که اگر جاری نمی‌شد، بوی زندگی را نمی‌داد.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

۲-۲-۱-۶-گل

۲-۲-۱-۶-۱-گل سرخ

گل سرخ در سخن تجار، نماد خون مطهر شهداست. تجار هر چند گل را با نام گل‌های متفاوت به کار برده است؛ اما تمامی این تفاوت‌ها در یک نقطه ختم می‌شوند و آن تداعی معنای شهید و زیبایی ارواح شهداست.

مردم در تشییع پیکر شهدا، شعارشان این بود «این گل پرپر از کجا آمده.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

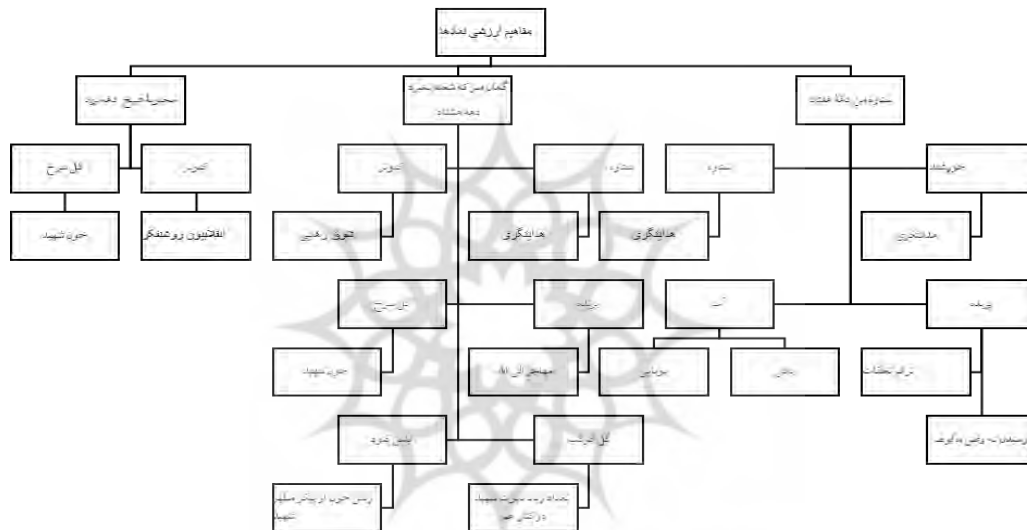
همچنین در کتاب محبوبه صبح آورده است: «روی پیراهن چهارخانه‌اش یک گل شکفت؛ یک گل سرخ.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

۲-۲-۱-۶-۲- گل کوب

تجار، برای بیان تعداد زیاد تابوت‌های شهدا نیز چنین می‌گوید: «در کنار هم روی هم. گلی با پره‌های بسیار، مثل گل کوب.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

۲-۲-۱-۶-۳- یاس کبود

کاربرد نمادین دیگری که تجار از شهدا دارد، استفاده از یاس کبود است: «آن موقع که دارد خون از بدنش می‌رود که یواش‌یواش دارد می‌شود مثل یاس کبود.» (همان: ۱۰۲) (۱)



۲-۲-۲- آوردن پیکر مطهر جامانده شهدا

تجار، در کتاب «ستاره من» متعلق به دهه هفتاد، دلواپسی حمید عرب‌نژاد را برای آوردن پیکر جامانده مطهر شهدا بیان می‌کند: «وضعیتی بسیار آشفته پیش آمده بود. حمید دستور داد: - چرا متوجه نیستید؟ دشمن بعداً کلی تبلیغ می‌کند. بعد رو به چند نفر کرد:

- لباس کردی بپوشید و بروید آن‌ها را بیاورید. تعدادی از بچه‌ها با وجودی که سخت

خسته بودند، لباسشان را عوض کردند و برای آوردن شهدا رفتند.» (تجار، ۱۳۸۷: ۴۵)
ابوشهاب گفت: «واقعاً خفت باره همین‌طور دست روی دست بگذاریم و بگذاریم آن وسط بیوسند.» (تجار، ۱۳۸۱: ۳۴) (۲)

۲-۲-۳- توصیف پیکر شهدا

راضیه تجار به توصیف پیکرهای مطهر شهدایی پرداخته است که از کتف‌های زخمیشان هنوز هم خون تازه در رگ‌های اجتماع می‌جوشد. وقتی حمید را پیدا کردند: «قسمتی از بدنش زیر خاک داغ بود؛ اما از کتفش خون تازه ریخت. دست در جیبش کردم و گواهی‌نامه‌اش را بیرون آوردم. خودش بود.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

تجار، یاس‌های کبودی را توصیف می‌کند که فقط یک پلاک بر استخوان‌های خاک گرفته آنان پیدا است: «آن موقع که دارد خون از بدنش می‌رود که یواش‌یواش دارد می‌شود مثل یاس کبود و من می‌بینم استخوان‌های خاک گرفته، بدن‌های سوخته و پوسیده و در بعضی یک پلاک.» (همان: ۱۰۲) (۳)

۲-۲-۴- ذکر تعداد شهدا

ذکر تعداد شهدا نیز از مواردی است که در قلم واقع‌گرای تجار می‌توان دید. بعد از عملیات «تنها ده نفر از سیصدنفری که همراه حمید بودند، به عقب برگشتند. بچه‌ها در نهایت ایشار، شهید شده بودند. البته تا چهار پنج روز از او بی‌خبر بودیم.» (همان: ۱۰۳)

تجار، گاه مستقیم و گاه با استفاده از کلمات مبهم، تعداد شهدا را اعلام می‌کند تا بدانیم که چه تعداد از فرزندان این مرزوبوم در راه خدا به شهادت رسیده‌اند. «پنج نفر از مسئولین لشکر آنجا بمانند برای دفع پاتک‌های دشمن. از این پنج نفر یکی هم من بودم... از جمع ما سه نفر شهید شد و یکی مجروح.» (تجار، ۱۳۸۱: ۷۸) (۴)

۲-۲-۵- توصیف نحوه شهادت

تجار با توصیف نحوه شهادت، مرگ را نقطه آغازی برای زندگی شهدا می‌داند: «خمپاره به چند جای بدنش اصابت کرده و دست و انگشتانش و نیمی از سرش را متلاشی کرده بود. با این همه احساس می‌کردی که او تازه زنده شده است.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

«کوتاه‌ترین جمله‌ای که درباره شیوه نویسندگی راضیه تجار می‌توان گفت این است که او به وسیله کلمات نقاشی می‌کند» (آرمین، ۱۳۷۴: ۱). همچنان که با ظرافت و هنرمندی نحوه شهادت محبوبه دانش را به تصویر کشیده است: «روی پیراهن چهارخانه‌اش یک گل شکفت؛ یک گل سرخ که لحظه به لحظه شکوفاتر می‌شد.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۳) (۵)

۲-۲-۶- کاربرد آیات مربوط به شهادت

۲-۲-۶-۱- کاربرد آیه ۶۹ سوره نساء

تجار در کتاب «ستاره من» با کاربرد این آیه شریفه، شهدا را صادقانی وارسته می‌داند. همسر حمید عرب نژاد، در روز تشییع جنازه حمید و برای شادی روح او مقاله‌ای خواند: «پشت بلندگو رفتم و خواندم: بسم رب الشهداء.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

۲-۲-۶-۲- کاربرد آیه ۱۵۶ سوره بقره

راضیه تجار، از آیه شریفه ۱۵۶ سوره بقره برای بیان مرگ یا شهادت افراد، بهره جسته است: «- سلام حاج خانم. من خادم مسجد ابن عقلم. خواستم خبری بهتان بدهم. انا لله و انا الیه راجعون.» (تجار، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

۲-۲-۷- تشییع پیکر مطهر شهدا

تجار، در واگویی همسر حمید از ما می‌خواهد که قدردان شهدا بوده و در این راه خستگی ناپذیر باشیم. «آخر، کوچه‌های خانوک همه سنگ بودند و حالا حمید شهید شده بود و من باید دنبال جنازه می‌رفتم. من باید خسته نمی‌شدم. باید آهسته نمی‌رفتم. حمید. حمید. حمید.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

او از حقی می‌گوید که شهدا بر گردن ما دارند و «از همین جهت هم عکس‌العمل بشریت و ابراز عواطف بشر درباره آنها بیش از دیگران است.» (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۳: ۴۳) تجار، در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، نیز ناباورانه از قدردانی و استقبال مردم، از شهدایی می‌نویسد که با شرافت در پرچم کشور خویش پیچیده شده‌اند و در حافظه شهر مانده‌اند: «می‌دانستم که می‌آوردندشان. آنها را، پیچیده در پارچه سرخ و سفید و سبز. اما باورم نمی‌شد. مردم این‌طور به پیشوازشان می‌آیند. سراسیمه... مدت‌ها بود گمان می‌کردم تهران حافظه‌اش را از دست داده است.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۱) (۶)

۲-۲-۸- وصیت‌نامه شهدا

نوشتن وصیت‌نامه، از «پدیده‌های جدید ادبی است که مولود انقلاب و سال‌های دفاع مقدس می‌باشد. این موضوع پیش‌ازاین، در گذشته ادبی ما بسیار نادر و اندک‌یاب بوده‌اند؛ مانند وصیت‌نامه‌ها، سنگر نوشته‌ها، لباس نوشته‌ها و کوتاه‌نگاری جبهه.» (سنگری، ۱۳۹۱: ۲) رزمندگان مؤمن در خط مقدم نیز در داستان‌های تجار، وصیت‌نامه خود را، چون نامه سرگشاده‌ای نوشته‌اند که مخاطبش تمام مردم ایران هستند:

«زن‌های فامیل در خانه‌مان جمع شده بودند و آتش می‌پختند؛ برای سلامتی رزمندگان... یک‌مرتبه یکی از بچه‌ها داد کشید: - مژدگانی ... مژدگانی بدهید... نامه رسید... زهرا خانم، نامه را بلند بلند می‌خواند و زن‌ها اشک می‌ریختند.

- حمید دیگر بر نمی‌گردد. این نامه نیست، وصیت‌نامه است.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۱)
تجار، وصیت‌نامه شهدا را نقطه شروع و آغاز راهی برای نسل‌های آینده می‌داند: «و روزی نقطه شروع را روی کاغذ می‌گذاری. بسم رب الشهداء...» (تجار، ۱۳۸۱: ۹) (۷)

۲-۲-۹- میثاق با شهدا

تجار معتقد است که شهدا هویت خویش را در رسیدن به لقاءالله باز یافته‌اند و هدایتگران مردم به سوی خویشتن واقعی خویش‌اند و باید برای آسمانی شدن با آنان پیمانی محکم ببندیم و راهشان را ادامه دهیم: «جمعیت خاموش شد. حالا تنها صدای فریاد من بود که به گوش می‌رسید. حمید خود را پیدا کرده بود. از صدای خودم، من نیز خود را پیدا می‌کردم: شهیدم راحت ادامه دارد.» (همان: ۱۳۱) تجار، مسئولیت فرزندان شاهد را در این مورد دو برابر می‌داند و پرچم رسالت پدرانشان را بر دوش آنان می‌نهد: «پدر! اطمینان داشته باش پرچمی را که تو بر زمین گذاشتی من و دوستانم به دوش خواهیم گرفت.» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۰۸) (۸)

۲-۲-۱۰- غبطه بر شهدا

تجار، شهر را در فراق یاران شهید زندانی برای حمید عرب‌نژاد می‌داند و او را در غبطه بر شهدا، پیش‌گام عمل به آیه «فستبقوا الخیرات» می‌داند: «- نمی‌توانم در شهر بمانم. وقتی تمام دوستانم شهید شده‌اند، چطور در شهر بمانم.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

۲-۲-۱۱- شهدا شافعان محشر

در حدیثی از رسول الله به عظمت و بزرگی شهید اشاره شده است: «شَفَعُ الشَّهِيدِ فِي سَبْعِينَ مِنْ اَهْلِهِ» شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند. (متقی، ۱۴۳۱: ۴۰۱) تجار، با بیان شفاعت گری شهدا، یادآور این حدیث نبوی می گردد. آنجا که حمید به سید احمد مهدوی هم رزم خود که زخمی شده بود گفت: «اگر شهید شدی شفاعت ما را هم بکن.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۷)

۲-۲-۱۲- رفتن به مزار شهدا

بعضی از مکان ها علی الخصوص مکان هایی که ریشه در فرهنگ و باورهای ما دارند، باعث برانگیختن احساس و تقویت هویت دینی و فرهنگی می گردد. «بعضی از مکان ها با تفسیر، روایت، ادراک، احساس، فهم و تصویر مردم است که واحد معنا می شوند.» (سوجا، ۱۹۹۶: ۱۵) راضیه تجار، معتقد است که برای فراموش نشدن ارزش های شهدا و زنده ماندن یادشان باید بر مزار آنان حاضر شویم: «حالا به دیدنش آمده ام؛ به دیدن مزارش؛ تا با فاتحه ای یادش را زنده کنم.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۷) (۹)

۲-۲-۱۳- آرزوی شهادت

تجار در آثار خود، نهایت رضایتمندی و شوق رزمندگان از رفتن به جبهه را نشان می دهد و راز جذب دل ها توسط شهدا را اتصال آنان به نور می داند؛ وقتی حمید عرب نژاد عازم میدان می شود: «هیچ وقت ندیده بودم که این همه دوست داشتنی شود و مهرش به دلم بنشیند. بی قرار بود و برای رفتن نفس نفس می زد.» (همان: ۱۲۸) همچنین راضیه تجار معتقد است که شهدا دنیا را قفسی جان فرسا می دانستند و شهادت را تنها راه رهایی از این زندان: «محمد به مادر گفت: دوستانم همه پر زدند و من ماندم در این قفس، مادر دعا کن من هم شهید شوم.» (تجار، ۱۳۸۱: ۳۰) (۱۰)

۲-۲-۱۴- بیان اخلاق و فضایل شهدا

۲-۲-۱۴-۱- اینارگری شهدا

تجار، آیه شریفه «تَنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» را تداعی کرده و بیان می دارد که شهدا از بذل بالاترین چیزهایی که دوست دارند، در راه حق دریغ نمی کنند:

«شب قبل حاج قاسم سلیمانی، حمید را صدا زد.
- نیروهایت را به جبهه غرب بکشان.
حمید کمی تأمل کرد. پیدا بود که فکر می کند. بعد سر بلند کرد و گفت: - مشکلی نیست
که بچه ها شهید شوند؟
حاج قاسم گفت: - نه، مشکلی نیست؛ چون من سؤال کرده ام. باید هر طوری که هست،
دشمن را سرگرم کنیم تا بچه ها خرمشهر را آزاد کنند.» (تجار، ۱۳۸۷: ۱۰۲)
در داستان کوتاه «آئینه و انار» از کتاب گمان میر که شعله بمیرد، تجار رشادت ها و ایثارگری
محمد سلیمانی را بیان کرده است:
«- حاج مرادی یک گشتی بز نیم توی حلبچه.
گشت بز نیم؟! شوخی می کنی برادر سلیمانی؟! شیمیایی زدن.
- غیر ممکنه.
- چرا... چرا بویش را حس نمی کنی؟
- راست میگی خودشه.
- ولی ما که یک ماسک بیشتر نداریم.
- بی خیال... شما بز ن.
- نه شما بز ن.
- شما بز ن که مداح اهل بیته. من با چفیه ام خوشم.» (همان: ۱۰۸)

۲-۲-۱۴-۲- رفتار انسانی با اسیران

رفتار درست با اسیران جنگی در اسلام توصیه شده است. در داستان «ستاره و سیم خاردار»،
تجار رفتار انسانی رزمندگان با آنان را به تصویر می کشد: «اسرا به خط؛ بهشان آب بدید.» (همان:
۹۴) (۱۱)

۲-۲-۱۴-۳- تأثیر گذاری شهدا

تجار، در این سه اثر دو نوع تأثیر گذاری از شهدا را نشان می دهد. تأثیر شهدا بر مردم و تأثیر شهدا
بر کائنات.

۲-۲-۱۴-۳-۱- تأثیر گذاری شهدا بر جامعه

فردی که اکنون دانشجویی پزشکی است با دیدن عکس شهید عرب نژاد چنین می گوید:
«روزی صاحب این عکس، مرا از داخل خانه ایی که مورد هجوم قرار گرفته بود، نجات داد. سالها اسم این فرد را نمی دانستم و خیلی دلم می خواست بدانم که کیست. وقتی این عکس را دیدم و فهمیدم صاحبش شهید شده است، ناجی خود را شناختم؛ اما افسوس که...» (تجار، ۱۳۸۷: ۴۲)
تجار در کتاب محبوبه صبح، شهدا را حلقه های بیدار کننده مردم می داند: «چهلیم هر شهید، شروع تظاهراتی دیگر بود. انگار دستی زنجیری را تکان می داد؛ زنجیری که هر حلقه اش حلقه دیگر را چسبیده و تا بی نهایت پیش رفته بود.» (تجار، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲-۲-۱۴-۳-۲- تأثیر شهدا بر کائنات

تجار، ارواح مطهر شهدا را مؤثر در کائنات می پندارد: «هر وقت شهیدی به درجه می آوردند. درخت، انارهایش را به زمین می ریخت. انارها پاره پاره می شد و زمین پر می شد از دانه های سرخ.» (تجار، ۱۳۸۱: ۲۵) (۱۲)

۲-۲-۱۵- مقرب بودن شهدا

تجار شهادت را لیاقتی می داند که نصیب برگزیدگان می شود؛ زیرا «شهید گام در راهی می نهد که آگاهانه برگزیده است و این انتخاب آگاهانه، وی را جاودانه می سازد و به کاری که انجام داده رنگ و روی ابدیت می دهد.» (نیری، خیراندیش، ۱۳۸۴: ۲۲)
سید احمد، هم رزم حمید، می گوید: حمله ای شد و زخمی شدم. سر یک سه راهی حمید را دیدم. جلو آمد و گفت: «عاقبت کار خودت را کردی!»
- ما که لیاقت نداریم.» (تجار، ۱۳۸۷: ۷۷)
همچنین در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد آورده است: «عکست را که به مادرم نشان دادم، گفت: او هم مثل «عبدالمجید» خودمان رفتنی بود.» (تجار، ۱۳۸۱: ۵۵)

۲-۲-۱۶- احساس دین نسبت به شهدا

تجار معتقد است که برای ادای دین شهدا حتی سنگ هم گل می دهد. او از ما می خواهد که

نسبت به شهدا، ادای دین کنیم؛ از هر قشر و در هر حرفه‌ای که باشیم و با هر وسیله‌ای که در اختیار داریم. حتی در شرایط سخت از دستاوردهای شهدا پاسداری کنیم. «همین که از تگه‌های گوشت و پوست و خونی که روی تکه سنگی یا تنه درختی فیلم نگرفتیم خیانت کردیم. فردا از خون شهید، همان سنگ گل می‌دهد.» (تجار، ۱۳۸۱: ۶۷) (۱۳)

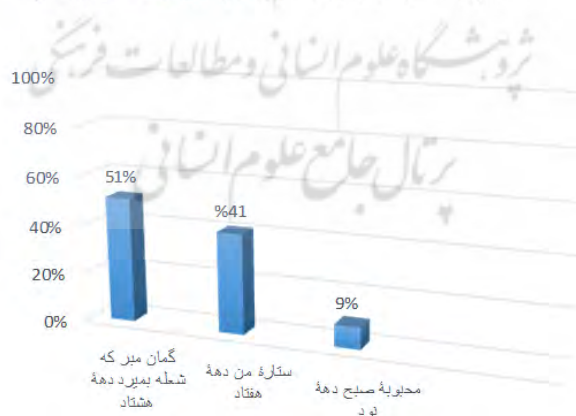
۲-۲-۱۷- اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت

یکی از وظایف افراد و اجتماعات در قبال شهدا، فرهنگ‌سازی و اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت با ثبت و ضبط و حفظ و انتشار خاطرات و رشادت‌های آنان است. تجار، در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، چنین می‌نویسد: «کجایی حاج حسین خرازی. گریه می‌کردی. گفتی بگو سلیمانی بیاید. مرا بردی بالای گودال. گفتی: کجایند مقتل نویسان؟! تا شهادت مظلومیت ما را بدهند.» (همان: ۱۰۷) (۱۴)

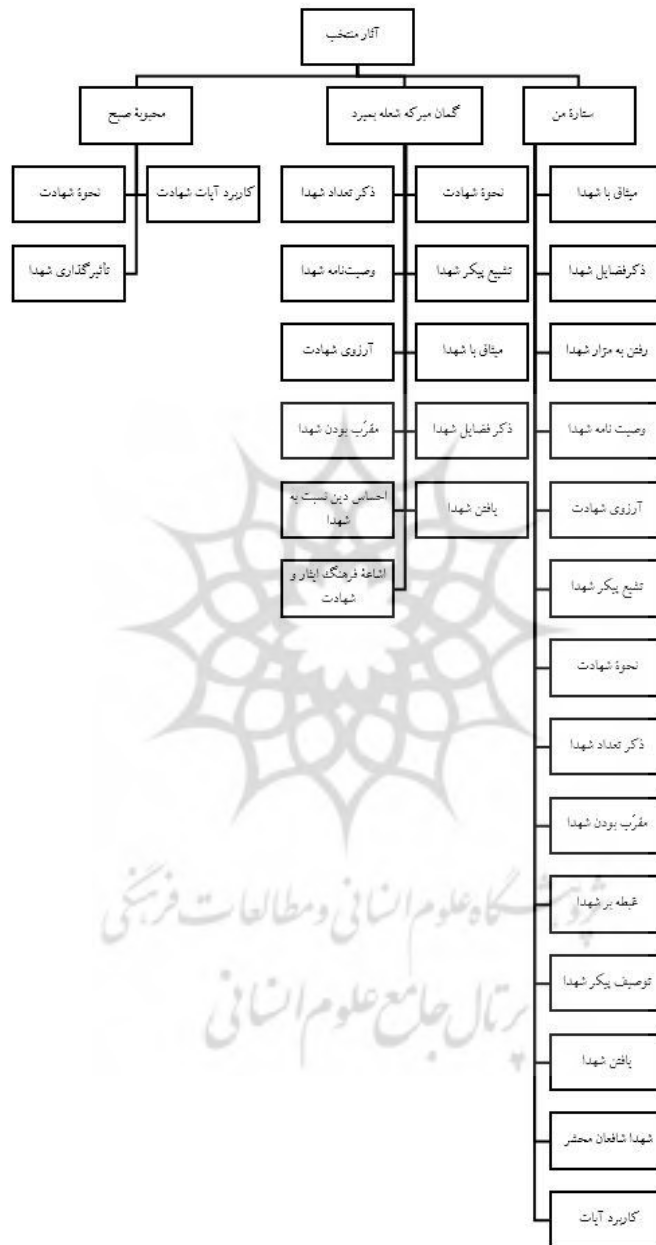
جدول ۱- تعداد و درصد کاربرد جلوه‌های شهادت در هر کتاب

نام کتاب	تعداد کاربرد	درصد	دهه
گمان مبر که شعله بمیرد	۶۰ مورد	۵۱٪	هشتاد
ستاره من	۴۸ مورد	۴۱٪	هفتاد
محبوبه صبح	۹ مورد	۸٪	نود
جمع کل: ۱۱۷ مورد		۱۰۰ درصد	

نمودار ۱- درصد و میزان کاربرد جلوه‌های شهادت در هر کتاب



جدول ۲- مفاهیم ارزشی مربوط به شهدا در آثار داستانی منتخب



۳- نتیجه گیری

شهادت و شهادت طلبی، یکی از مضامینی است که به عنوان مهم ترین مؤلفه های ادبیات پایداری در آثار راضیه تجار جلوه گری می کند. با مطالعه و بررسی سه اثر راضیه تجار، در سه دهه مختلف، شهادت با ویژگی های کاربرد نمادین واژه شهید، بیان اخلاق و فضایل شهدا، آوردن پیکر مطهر جامانده شهدا، توصیف پیکر شهدا، ذکر تعداد شهدا، توصیف نحوه شهادت، کاربرد آیات مربوط به شهادت، بیان تشییع پیکر مطهر شهدا، ذکر وصیت نامه شهدا، میثاق با شهدا، غبطه بر مقام شهدا، شهدا شافعان محشر، رفتن به مزار شهید، آرزوی شهادت، بیان تأثیر گذاری شهدا، برگزیده و مقرب بودن شهدا و در بُعد اجتماعی احساس دین نسبت به شهدا و اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت از مواردی است که در سه اثر منتخب تبلور یافته است. با توجه به یافته ها، بسامد جلوه های شهادت در کتاب گمان مبر که شعله بمیرد، ۵۱ درصد از کل می باشد و بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است؛ زیرا در دهه هشتاد، نوشتن از ادبیات پایداری با اصول و ویژگی های فنی بیشتری در عرصه نویسندگی ظاهر شده است و قلم نویسندگان از قوام بیشتری در این دهه برخوردار است. کتاب ستاره من نیز، بعد از کتاب گمان مبر که شعله بمیرد قرار گرفته است؛ زیرا دهه هفتاد اصول فنی نوشتن کمتر از دهه هشتاد است و بیشتر جنبه واقع گرایی و خاطره نویسی مطرح است؛ اما این کتاب با اختصاص ۴۱ درصد از کل از بسامد بالاتری نسبت به کتاب محبوبه صبح، برخوردار است. کتاب محبوبه صبح، متعلق به دهه نود و داستان آن مربوط به شهادت دختری نوجوان در پیش از انقلاب است. این کتاب پس از بررسی، کمترین بسامد ۹ درصد از کل را نسبت به دو اثر دیگر تجار به خود اختصاص داده است؛ زیرا در سال های نخستین دهه نود، با فاصله گرفتن از جنگ تحمیلی و دهه های آغازین آن، توجه به ادبیات پایداری با توجه به شرایط اجتماعی دگرگون شده و از دهه های دیگر با اقبال کمتری روبه رو گردیده است.

پیشنهاد می شود در زمینه دفاع مقدس و بر روی آثار دفاع مقدس بانوان تحقیقات بیشتری انجام گیرد تا در جامعه کنونی با خلأهای ایجاد شده در برخورد با فرهنگ مبتذل غربی، نسل جوان را با شهدا و الگوهای ارزشی پیوند داد.

پیشنهاد می شود، درباره رشادت های زنان در طول هشت سال دفاع مقدس و نقش سازنده و بنیادی آنان در تربیت نسلی وارسته مطالعات علمی گسترده تری انجام شود و ارزش وجودی آنان

در عرصه‌های علمی و فرهنگی و مبارزاتی بیشتر به جامعه شناسانده شود.

یادداشت‌ها

- (۱). کاربرد نمادین واژه شهادت: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۹۷، ۹۸، ۹۹، ستاره من، صص ۱۱۵، ۱۲۱، دوبار، ۱۳۱، محبوبه صبح، صص ۸۰، ۱۰۲ / (۲). آوردن پیکر مطهر شهدای جامانده: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۳۳، ۳۷، ۳۸، ستاره من، صص ۲۹، ۵۵-۵۴، ۷۶، ۱۰۳، ۱۱۴ / (۳). توصیف پیکر شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۴۵، ۷۶، ۸۱، ۱۱۴ / (۴). ذکر تعداد شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۳۶، ۴۲، ۹۰، ۱۳۷، ستاره من، صص ۱۱۵ / (۵). توصیف نحوه شهادت: ستاره من، ص ۵۷، محبوبه صبح، صص ۱۰۴، ۱۰۷ / (۶). تشییع پیکر مطهر شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۹۵، ۱۶۹، ستاره من، صص ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، دو بار / (۷). وصیت‌نامه شهدا: ستاره من، ص ۱۲۹ / (۸). میثاق با شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۱۰۲-۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۰-۱۱۱، ۱۱۱، ستاره من، صص ۷۲، دو بار / (۹). رفتن به مزار شهدا: ستاره من، صص ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱ / (۱۰). آرزوی شهادت: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۲۸، ۶۹، ستاره من، ص ۱۲۶ / (۱۱). بیان اخلاق و فضایل شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۱۵، ۵۱، ۶۸، ۱۱۳، ستاره من، صص ۱۱۵ / (۱۲). تأثیر گذاری شهدا: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۲۹، ۶۷ / (۱۳). احساس دین نسبت به شهدا گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۶۵، ۹۷، ۹۴، ۱۰۹ / (۱۴). اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت: گمان مبر که شعله بمیرد، صص ۸، ۹، ۲۹، ۷۴، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امیری خراسانی، احمد. (۱۳۹۱). نامه پایداری ۴، مقالات چهارمین کنگره سراسری ادبیات پایداری. جلد دوم. کرمان: گرا.
- ۳- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- ۴- تجار، راضیه. (۱۳۸۱). گمان مبر که شعله بمیرد. چاپ اول. تهران: نسل کوثر.
- ۵- _____ . (۱۳۸۷). ستاره من. چاپ دوم. کرمان: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لشکر ۴۱ ثارالله.
- ۶- _____ . (۱۳۹۳). محبوبه صبح. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
- ۷- سجادی، جعفر. (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات و تعبيرات عرفانی. چاپ ششم. تهران: طهوری.
- ۸- سرلو، خوان ادواردو. (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: دستان.
- ۹- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۶). پرسه در سایه خورشید. چاپ دوم. تهران: لوح زرین.
- ۱۰- شریعتی، علی. (۱۳۶۰). حسین وارث آدم (مجموعه آثار ۱۹). تهران: انتشارات قلم.
- ۱۱- متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۳۱). کنزالمعال فی سنن الاقوال و الأفعال. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۲- محمودی، محمد علی. (۱۳۷۷). مجموعه مقالات. چاپ اول. زاهدان: کنگره بزرگداشت سرداران و شهدای استان سیستان و بلوچستان.
- ۱۳- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). حماسه حسینی. ج ۳، چاپ دهم. تهران: صدرا.

مقاله‌ها

- ۱۴- آرمین، منیژه. (۱۳۷۴). «سفر به ریشه‌ها: تجار، نویسندگانی است که با کلمات نقاشی می‌کند». ادبیات داستانی. شماره ۳۸، صص ۴۸-۴۸.
- ۱۵- پورنامداریان، تقی و رادفر، ابوالقاسم و شاکری، جلیل. (۱۳۹۱). «بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر». ادبیات پارسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال دوم، شماره اول، صص ۴۸-۲۵.
- ۱۶- سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۱). «ادبیات انقلاب اسلامی». رشد آموزش زبان و ادب فارسی. شماره ۱۰۴، صص ۳-۲.
- ۱۷- رحماندوست، مجتبی. (۱۳۷۹). «رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها». دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. شماره ۴، صص ۴۸۶-۴۶۵.
- ۱۸- صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «نماد پرندگان در مثنوی». پژوهش‌های ادبی کرمان. دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۷۶-۵۳.
- ۱۹- نیری، محمد یوسف و خیراندیش، مهدی. (۱۳۸۴). «شهادت و شهادت در عرفان اسلامی». ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی تهران. شماره اول، (پیاپی ۴۲)، صص ۳۲-۱۹.
- 20- Chevalier, J. (1969). *Pictonnuire des symbols*. Paris: Edition Laffont.
- 21- Soja.E.V. (1996). *Thirds Pace: Jou rney.to Los Anglesand other Real-and-Imagainedplaces*. Cambridge, MA: Blackwell.